



بسم الله الرحمن الرحيم

تکلمه ای برای تأمین مصالح عمومی

در بررسی وظائف و اختیارات حکومت اسلامی روشن گردید که یکی از وظائف و اختیارات حکومت اسلامی، صرف بیت المال در مصالح عامه از قبیل «فی سبیل الله» و «مؤلفه قلوب» است که نوعی مصالح عامه جامعه اسلامی و شهروندان مسلمان آن و همچنین مصلحت خود اسلام محسوب می شود. در این بحث زمینه عنوان «فی سبیل الله» تعریف شده و مشخص گردید که منبع آن زکات است. مورد دیگر نیز «مؤلفه القلوب» است که آن نیز همانند «فی سبیل الله» است.

در اینجا تکلمه ای ذکر می کنیم که در مرسله حماد بن عیسی جهت دیگری هم مطرح شده است. توضیح مطلب این است که یکی از منابعی که در روایات برای بیت المال مطرح شده، اراضی مفتوحه عنوة است که از آنها با عنوان «اراضی خراجیه» یاد می شود. در مورد اینکه اراضی خراجیه متعلق به چه کسانی است، روایات متعددی وارد شده است. به عنوان مثال در مورد اراضی خراجیه در روایت محمد بن ابی نصر آمده است:

و بِإِسْنَادِهِ [محمد بن الحسن] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ الْخَرَاجَ وَ مَا سَارَ بِهِ أَهْلُ بَيْتِهِ فَقَالَ الْعُسْرُ وَ نِصْفُ الْعُسْرِ عَلَى مَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً تَرَكَتْ أَرْضُهُ فِي يَدِهِ وَ أَخَذَ مِنْهُ الْعُسْرُ وَ نِصْفُ الْعُسْرِ فِيمَا عَمَرَ مِنْهَا وَ مَا لَمْ يَعْمُرْ مِنْهَا أَخَذَهُ الْوَالِي فَقَبَّلَهُ مِمَّنْ يَعْمُرُهُ وَ كَانَ لِلْمُسْلِمِينَ وَ لَيْسَ فِيمَا كَانَ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ أَوْسَاقٍ شَيْءٌ وَ مَا أُخِذَ بِالسِّنْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقْبَلُهُ بِالَّذِي يَرَى كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص - بِخَيْرٍ قَبْلَ أَرْضِهَا وَ نَحْلَهَا وَ النَّاسُ يَقُولُونَ لَا تَصْلُحُ قِبَالَهَ الْأَرْضُ وَ النَّحْلُ إِذَا كَانَ الْبَيَاضُ أَكْثَرَ مِنَ السَّوَادِ وَ قَدْ قَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرٌ - وَ عَلَيْهِمْ فِي حِصْبِهِمُ الْعُسْرُ وَ نِصْفُ الْعُسْرِ.^۱

در این روایت بیان شده است که اراضی خراجیه و همه درآمد آنها، متعلق به مسلمانان است. بنابراین یکی از منابع حکومت و دولت اسلامی، خراجی است که از اراضی خراجیه به دست می آید. در مرسله حماد بن عیسی در مورد اینکه خراج در چه مواردی مورد استفاده قرار می گیرد، آمده است:

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: يُؤْخَذُ الْخُمْسُ مِنَ الْغَنَائِمِ فَيَجْعَلُ لِمَنْ جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ وَ يُقَسَّمُ أَرْبَعَةَ أَخْمَاسٍ بَيْنَ مَنْ قَاتَلَ عَلَيْهِ وَ وَلِيِّ ذَلِكَ قَالَ وَ لِلْإِمَامِ صَفْوُ الْمَالِ أَنْ يَأْخُذَ الْجَارِيَةَ الْفَارِهَةَ وَ الدَّابَّةَ الْفَارِهَةَ وَ الثُّوبَ وَ الْمَتَاعَ مِمَّا يُحِبُّ أَوْ يَسْتَهِيهِ فَذَلِكَ لَهُ قَبْلَ قِسْمَةِ الْمَالِ وَ قَبْلَ إِخْرَاجِ الْخُمْسِ قَالَ وَ لَيْسَ لِمَنْ قَاتَلَ شَيْءٌ مِنَ الْأَرْضِيْنَ وَ لَا مَا غَلَبُوا عَلَيْهِ إِلَّا مَا احْتَوَى عَلَيْهِ الْعُسْكُرُ وَ لَيْسَ لِلْأَعْرَابِ مِنَ الْغَنِيمَةِ شَيْءٌ وَ إِنْ قَاتَلُوا مَعَ الْإِمَامِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص صَالِحَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَدْعَهُمْ فِي دِيَارِهِمْ وَ لَا يُهَاجِرُوا عَلَى أَنَّهُ إِنْ دَهَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص - مِنْ عَدُوِّهِ دَهْمٌ أَنْ يَسْتَفْرِهَهُمْ فَيَقَاتِلَ بِهِمْ وَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْغَنِيمَةِ نَصِيبٌ وَ سُنَّتُهُ جَارِيَةٌ فِيهِمْ وَ فِي غَيْرِهِمْ وَ الْأَرْضُونَ الَّتِي أَخَذَتْ عَنْوَةً بِخَيْلٍ أَوْ رِكَابٍ فَهِيَ مَوْفُوفَةٌ مَتْرُوكَةٌ فِي يَدِي مَنْ يَعْمُرُهَا وَ يُحْيِيهَا وَ يَقُومُ عَلَيْهَا عَلَى مَا صَالَحَهُمُ الْوَالِي عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِمْ مِنَ الْحَقِّ النَّصْفِ أَوْ الثُّلُثِ أَوْ الثُّلُثَيْنِ عَلَى قَدْرِ مَا يَكُونُ لَهُمْ صَلاَحاً وَ لَا يَضُرُّهُمْ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يُؤْخَذُ بَعْدَ مَا بَقِيَ مِنَ الْعُسْرِ فَيُقَسَّمُ بَيْنَ الْوَالِي وَ بَيْنَ شُرَكَائِهِ الَّذِينَ هُمْ عَمَالُ الْأَرْضِ وَ أَكْرَتْهَا فَيُدْفَعُ إِلَيْهِمْ أَنْصِبَاؤُهُمْ عَلَى مَا صَالَحَهُمْ



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عَلَيْهِ وَ يُؤْخَذُ الْبَاقِي فَيَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْزَاقَ أَعْوَانِهِ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ فِي مَصْلَحَةِ مَا يُتَوَبُّهُ مِنَ تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ - وَ تَقْوِيَةِ الدِّينِ فِي وُجُوهِ الْجِهَادِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا فِيهِ مَصْلَحَةُ الْعَامَّةِ لَيْسَ لِنَفْسِهِ مِنْ ذَلِكَ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ.^۱

در بخش پایانی این روایت که با تعبیر «و يُؤْخَذُ بَعْدَ مَا بَقِيَ مِنَ الْعُشْرِ فَيُقَسَّمُ بَيْنَ الْوَالِي وَ بَيْنَ شُرَكَائِهِ» آغاز شده، بیان شده است که بعد از اینکه عشر گرفته می شود، بین والی و صاحبانی که روی زمین کار کرده اند، بر اساس همان مقداری که مصلحت کرده اند، تقسیم صورت می گیرد و سهم والی گرفته می شود و سهم او در مواردی که موجب تقویت و یاری دین خدا و اسلام می شود که مصلحت عامه را به دنبال دارد، مصرف می شود. بنابراین خراج به دست آمده از اراضی خراجیه، در هر موردی که مصلحت عامه اقتضاء کند، صرف خواهد شد. «فی سبیل الله»، «مؤلفه القلوب» و «مصلحت عامه مسلمانان» که در مورد اراضی خراجیه ذکر شده است، می رساند که وظیفه حاکم اسلامی است که هر چه مربوط به مصالح عامه مردم است از هر جهت انجام دهد. بر اساس این وظیفه باید در بحث های اقتصادی، باید صرف مال توسط حکومت اسلامی به گونه ای باشد که مصلحت مسلمانان استیفاء شود و مردم بیشتر به سوی خدا حرکت کرده و تقرب پیدا کنند و زندگی آنها در مضیقه نباشد که منشأ خارج شدن آنها از اسلام شده و به کفر روی آورند.

ز: تأمین مالی کارگزاران حکومت اسلامی

نهمین وظیفه از وظائف حکومت اسلامی، تأمین مالی کارگزاران حکومت اسلامی است و در نتیجه یکی از مصارف بیت المال، پرداخت حقوق و تأمین روزی آنها است. البته باید توجه شود که در مورد کارگزاران باید به مقدار نیاز اکتفا شود و بیش از نیاز کارگزار به کار گرفته نشود تا وظایف مطرح شده در روایات، برای حکومت اسلامی قابل عمل باشد و در نتیجه نظام اقتصادی صحیح که مورد نظر اسلام است، تحقق یابد و جامعه اسلامی مبتلا به ناهنجاری های اجتماعی مانند ربا نشود.

اصل این وظیفه روشن و واضح است؛ چون وقتی تعدادی از مردم به عنوان کارگزار حکومت اسلامی، زمان خود را صرف انجام کارهای مورد نیاز حکومت می کنند، حکومت اسلامی نیز باید هزینه آنها را پرداخت کند. در برخی روایات اشاره شده است که عمال حکومت از بیت المال استرزاق کنند و در این روایات به کیفیت این مسأله نیز اشاره شده است.

یکی از أدله دال بر لزوم پرداخت هزینه های کارگزاران توسط حکومت اسلامی، أدله زکات است که در آنها به عنوان عاملین اشاره شده است. در آیه ۶۰ سوره توبه که مربوط به زکات است، عاملین، به عنوان یکی مصارف زکات ذکر شده است.^۲ در مرسله ای که در تفسیر علی بن ابراهیم نقل شده است، عمال را کسانی دانسته است که زکات را جمع آوری می کنند و تحویل والی می دهند تا بین مردم تقسیم کند.^۳ بنابراین عاملین، مستحق زکات هستند و حکومت اسلامی می تواند بلکه بر او لازم است که حقوق آنها را از زکات پرداخت کند.

مطلب پیشین در مورد عاملین زکات است. اما در غیر عاملین زکات، دو گروه وجود دارد:

الف: قضات

ب: مطلق کارگزاران

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۱۰.

۲. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

۳. وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا هُمُ السُّعَاءُ وَ الْجُبَاةُ فِي أَخْذِهَا وَ جَمْعِهَا وَ حِفْظِهَا حَتَّى يُؤَدُّهَا إِلَى مَنْ يَقْسِمُهَا. وسائل الشیعة ۹: ۲۱۲.



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عهده نامه^۱ مالک اشتر که در آن امیرالمؤمنین علیه السلام برای مالک اشتر دستور العملی در زمان اعزام او به مصر صادر کرده، به نکاتی در مورد قضاوت و کارگزاران اشاره شده است. در این عهدنامه آمده است:

ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا يَمَحُكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتَمَادَى فِي الرَّزَاةِ وَلَا يَحْصِرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَلَا تَشْرَفْ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَلَا يَكْتَفِي بِأَذْنَى فَهَمِّ دُونَ أَقْصَاهُ [وَأَوْقَفَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ وَآخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ وَأَقْلَهُمْ تَبَرُّمًا بِمِرَاجِعَةِ الْخَصْمِ وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشِيفِ الْأُمُورِ وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ إِبْصَاحِ الْحُكْمِ مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءٌ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ وَأُولَئِكَ قَلِيلٌ ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهَدَ قَضَائِهِ وَافْسَحَ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يَزِيحُ عِلَّتَهُ وَتَقَلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَأَعْطِهِ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالَ الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ فَانظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَسْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَتَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا^۲

در این بخش از عهدنامه‌ی مالک اشتر، امیرالمؤمنین علیه السلام ابتدا به مالک اشتر بیان می‌فرماید که بهترین مردم را برای قضاوت و فصل خصومت بین مردم انتخاب کند و در ادامه بیان می‌کنند که به مقداری به آنها پرداخت کند که نیاز اقتصادی آنها از بین برود و محتاج کسی نباشند. در نتیجه با کم شدن احتیاج آنها به مردم، از ناحیه هزینه‌های زندگی اضطراب و دلهره نداشته باشند. بنابراین بر اساس این بخش از عهدنامه مالک اشتر، باید زندگی قضاوت تأمین گردد و تأمین زندگی آنها در حدی باشد که به دنبال رشوه و موارد مشابه آن نباشند و به عدالت قضاوت کنند.

اما نسبت به عمال دیگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر فرموده اند:

ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ وَاسْتَعْمَلِهِمْ اخْتِيَارًا وَلَا تُوَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْخِيَاءِ مِنْ أَهْلِ النُّبُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصْحَ أَعْرَاضًا وَأَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَافًا وَابْلَغَ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ^۳

در این بخش از روایت بیان شده است که باید انتخاب کارگزاران همراه با امتحان و آزمایش باشد؛ چون در صورتی که بدون آزمایش و اختبار تعیین کردند، جور و خیانت رخ داده است. در ادامه روایت نیز بیان شده است که روزی کارگزاران به گونه‌ای قرار داده شود که بی‌نیاز شوند که اگر این اقدام انجام شود، موجب قدرت و قوت می‌شود که خود را اصلاح کنند و مبتلا به فساد نشوند و از اموالی که در اختیار دارند خیانت و سرقت نکنند. علاوه بر اینکه حجت بر آنها می‌شود که دیگر مبتلا به خیانت، کم‌کاری و... نگردند. با اسباب روزی بر کارگزاران که در این روایت ذکر شده، این مشکلات کاهش می‌یابد.

در صورتی که سند این روایت به جهت ارسال جزمی، مورد پذیرش قرار گیرد، قابل استناد خواهد بود و در صورتی هم که این وجه پذیرفته نشود، بعید نیست که این روایت موثوق الصدور باشد؛ چون تعبیر روایت به گونه‌ای است که داعی و انگیزه بر جعل آنها وجود ندارد و مفاد آن نیز به گونه‌ای است که با مبانی فطری و عقلانی سازگار است.

۱. استفاده از تعبیر عهد نامه در مورد این دستور العملی که امیرالمؤمنین برای مالک اشتر بیان کرده اند، به جهت تعبیر «مِنْ عَهْدِ لَهُ عَ كَتَبَهُ لِأَشْتَرِ النَّخَعِيِّ رِجْمَهُ اللَّهُ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ وَ أَعْمَالِهَا» است که در ابتدای روایت به کار رفته است. در رجال شیخ نیز تعبیر عهدنامه به کار رفته است و الا در واقع این روایت، دستور العملی برای اداره کشور و امور آن است.

۲. نهج البلاغة (للصبيحي صالح) ۴۳۴

۳. همان



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بنابراین بر اساس این روایت، باید در مورد قضاوت و همه کارگزاران حکومت اسلامی به گونه ای حقوق پرداخت شود که به دنبال کسب درآمد از راههای خلاف نباشند. البته روشن است که این تأمین مالی باید بعد از انتخاب کارگزاران از مسیر صحیح و عقلانی باشد و اهلیت و امانتداری آنها احراز شود و الا اگر بنا باشد که جذب کارگزاران حکومتی بدون ضابطه و در نظر گرفتن شایستگی افراد باشد، تأمین مالی نیز مانع از تخلف آنها نمی شود. اما اگر انتخاب کارگزاران بعد از اختبار و آزمایش و با در نظر گرفتن امانت و وثاقت و همچنین مشورت با اهل فن باشد، تأمین مالی که در حد نیاز آنها باشد، موجب جلوگیری از تخلفات خواهد شد.^۱

ج: پرداخت یارانه

دهمین وظیفه از وظائف حکومت اسلامی پرداخت یارانه است. پرداخت یارانه باید در مقام مورد بررسی قرار گیرد که مقام اول به عنوان اولی و مقام دوم بررسی به عنوان ثانوی است.

الف: پرداخت یارانه به عنوان اولی

لزوم پرداخت یارانه به عنوان اولی، از برخی روایات استفاده می شود. البته این مورد منابع خاصی دارد. صاحب وسائل در باب ۴۰ از ابواب جهاد عدو، روایاتی در مورد تقسیم و صرف بیت المال نقل کرده است که در روایات دوم، سوم و چهارم که مربوط به این بحث است، روشن نیست که امیرالمؤمنین چگونه عمل می کرده است، اما در روایت ششم این چنین آمده است:

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمْرٍو النَّهْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ الْجَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أُعْطِيَ عَلِيٌّ ع النَّاسَ فِي عَامٍ وَاحِدٍ ثَلَاثَةَ أَعْطِيَاتٍ ثُمَّ قُدِّمَ عَلَيْهِ خَرَجٌ أَصْفَهَانَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْدُوا فَخُذُوا فَوَاللَّهِ مَا أَنَا لَكُمْ بِخَازِنٍ ثُمَّ أَمَرَ بِبَيْتِ الْمَالِ فَكُنِسَ وَ نُصِحَ وَ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ يَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا هُوَ بِجِبَالٍ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ مَا هَذِهِ الْجِبَالُ فَقِيلَ جِيءَ بِهَا مِنْ أَرْضِ كِسْرَى - فَقَالَ أَفْسُمُوهَا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ الْحَدِيثَ.^۲

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام در یکسال به مردم سه مرتبه عطاء داده اند. سپس خراج اصفهان رسیده^۳ و امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم می خواهند که برای دریافت خراج مراجعه کنند و بعد از تقسیم کردن اموال، محل نگه داری آنها را جارو کرده و سپس دو رکعت نیز نماز به جای آورده اند. بعد از خروج از آن محل، متوجه می شوند که بیرون مسجد بسته هایی وجود دارد که مربوط به زمین کسری بوده است که مجدداً امیرالمؤمنین علیه السلام امر به تقسیم آن می کنند. این تقسیم اموال توسط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نوعی یارانه است ولی منبع آن اختصاص به اراضی خراجیه داشته است. اما اینکه در مورد انفال مانند نفت و معادن یا خمس بتوان این چنین عمل کرد، در روایت اشاره نشده است. جزئیات این تقسیم نقل نشده است و صرفاً به صورت اجمال مشخص است که در بین مردم تقسیم می شده است.

۱. با توجه به حکمت مطرح شده که جلوگیری از تخلفات است، تأمین مالی کارگزاران در حد نیاز آنها یک وظیفه است و صرف توافق کارگزاران بر مقدار کمتر، موجب تأمین این حکمت نمی شود و لذا وظیفه حکومت نیز ساقط نمی شود؛ چون اگر چه ممکن است که کارگزار حکومتی در ابتدای توافق، ابراز رضایت داشته باشد، اما وقتی نیازهای او تأمین نگردد، اندک اندک به سمت تخلف برای تأمین نیازهای مالی خود خواهد رفت و با این شرائط، حکومت، کارگزار خود را در معرض فساد قرار داده است، اما اگر حکومت اسلامی کارگزار خود را تأمین کند، خود حکومت اسلامی او را در معرض فساد قرار نداده است و در نتیجه فساد کاهش پیدا می کند.

۲. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۱۰.

۳. در مورد کیفیت تقسیم خراج، در روایات به روشنی اشاره نشده است و ممکن است که ارسال خراج اصفهان به مرکز حکومت به این جهت بوده باشد که حاکم آن منطقه خراج را تقسیم کرده و مقدار مازاد را ارسال کرده باشد.



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

البته سند این روایت با اشکال مواجه است. روایت های دیگری نیز وجود دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام، بیت المال را مصرف می کرده اند و محل آن را جارو می کرده اند، اما در آن روایات اشاره نشده است که بین مردم تقسیم می کرده اند. روایت دیگری نیز در باب تقسیم بیت المال وجود دارد که توسط محمد بن مسلم نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا وُلِّيَ عَلِيُّ ع صَعِدَ الْمَنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنِّي وَ اللَّهُ مَا أَرَزُوكُمْ مِنْ فَيْئِكُمْ هَذَا دَرْهَمًا مَا قَامَ لِي عِذْقٌ يَبْتَرِبُ فَلْتَصُدُّكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَفْتَرُونِي مَا بَعَا نَفْسِي وَ مُعْطِيكُمْ قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ عَقِيلٌ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فَقَالَ فَتَجْعَلُنِي وَ أَسْوَدَ فِي الْمَدِينَةِ سَوَاءً فَقَالَ اجْلِسْ مَا كَانَ هَاهُنَا أَحَدٌ يَتَكَلَّمُ غَيْرَكَ وَ مَا فَضْلُكَ عَلَيْهِ إِلَّا بِسَابِقَةٍ أَوْ تَقْوَى.^۱

بر اساس این روایت صحیح، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت می رسند، به بالای منبر رفته و بعد از حمد و ثنای الهی، بیان می کنند که مادامی که یک درخت خرما در مدینه دارند، یک درهم از بیت المال بر نمی دارند و وقتی برای خود بر نمی دارند، به هیچ فرد دیگر نیز مقدار زیادی نمی دهند الا اینکه طبق موازین اسلام باشد. عقیل در آن زمان درخواستی و از مساوی قرار دادن او و غلامان سیاه سوال می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او بیان می کنند که بین عقیل و آن غلام سیاه تفاوتی وجود ندارد و صرفاً فضیلت بر معیار تقوا است و در مسائل مالی تفاوتی وجود ندارد.

از این روایت به همین مقدار استفاده می شود که امیرالمؤمنین علیه السلام بین مردم تقسیم هایی داشته است و همه هم یکسان بوده اند و همین مطلب تا حدی موجب نارضایتی عقیل بوده است. در روایت دیگر آمده است:

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ الْجَلْبَلِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ شُعَيْبِ بْنِ مَيْثِمِ التَّمَارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمَدَنِيِّ عَنِ رَجُلٍ عَنْ أَبِي مِخْنَفِ الْأُرْدِيِّ قَالَ: أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع رَهْطٌ مِنَ الشَّيْعَةِ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَوْ أَخْرَجْتَ هَذِهِ الْأَمْوَالَ فَفَرَّقْتَهَا فِي هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ وَ الْأَشْرَافِ وَ فَضَلْتَهُمْ عَلَيْنَا حَتَّى إِذَا اسْتَوْسَقَتِ الْأُمُورُ عُدْتِ إِلَى أَفْضَلِ مَا عَوَدَكَ اللَّهُ مِنَ الْقَسَمِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع- أَ تَأْمُرُونِي وَ يَحْكُمُ أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالظُّلْمِ وَ الْجَوْرَ فِي مَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ- لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ ذَلِكَ مَا سَمَرَ السَّمِيرُ- وَ مَا رَأَيْتُ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا وَ اللَّهُ لَوْ كَانَتْ أَمْوَالُهُمْ مِلْكِي لَسَاوَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا هِيَ أَمْوَالُهُمْ الْحَدِيثُ.^۲

تعدادی از شیعیان به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده و به ایشان عرض می کنند که بخشی از اموال را در بین رؤسا و سران طوائف تقسیم کنند و آنها را مقدم بدارند تا کارها محکم شود و حکومت تقویت گردد و بعد از برپایی حکومت، به عدالت و بالسویه تقسیم کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام کلام آنها و تقسیم اموال بین رؤسا را ظلم تلقی کرده و بیان کرده اند که تا زمانی که آسمان و زمین موجود است و ستاره ای وجود دارد، چنین چیزی رخ نخواهد داد و حتی اگر اموال آنها ملک امیرالمؤمنین علیه السلام هم باشد، به صورت مساوی تقسیم خواهند کرد و حال آنکه آن اموال ملک امیرالمؤمنین علیه السلام نیست و ایشان اموال خود مردم را تقسیم می کرده اند. بنابراین روشن می شود که بخشی از اموال وجود داشته است که بین مردم تقسیم می شده است.

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۰۵.

۲. همان.



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در روایت دیگر آمده است:

إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ فِي كِتَابِ الْغَارَاتِ عَنْ شَيْخِ لَنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ أَنَّ امْرَأَتَيْنِ أَتَتَا عَلِيًّا عِنْدَ الْقِسْمَةِ إِحْدَاهُمَا مِنَ الْعَرَبِ - وَالْأُخْرَى مِنَ الْمَوَالِي فَأَعْطَى كُلَّ وَاحِدَةٍ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا وَكُرًّا مِنَ الطَّعَامِ فَقَالَتِ الْعَرَبِيَّةُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي امْرَأَةٌ مِنَ الْعَرَبِ - وَهَذِهِ امْرَأَةٌ مِنَ الْعَجَمِ فَقَالَ عَلِيٌّ ع - وَاللَّهِ لَا أَحَدٌ لِيَنِي إِسْمَاعِيلَ فِي هَذَا الْفِيءِ فَضَلًّا عَلَيَّ بَنِي إِسْحَاقَ.^۱

در زمان تقسیم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دوزن به محضر ایشان می‌رسند که یکی از آنها عرب و دیگری عجم بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام به هر کدام بیست و پنج درهم و مقداری طعام می‌دهند. زن عرب به این تقسیم مساوی اعتراض می‌کند و امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او قسم یاد می‌کنند که در تقسیم فیء بین بنی اسماعیل و اسحاق تفاوتی وجود ندارد. از این روایت استفاده می‌شود که در مسأله تقسیم اموال، هیچ‌کسی بر دیگری فضیلتی ندارد و همه مساوی‌اند.
در روایت دیگر نیز آمده است:

وَعَنْ عَبْدِ بْنِ الصَّبَّاحِ عَنْ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ أَنَّ عَلِيًّا ع قَسَمَ قِسْمًا فَسَوَّى بَيْنَ النَّاسِ.^۲

این روایت نیز دلالت بر تقسیم اموال به صورت مساوی می‌کند.

بنابراین روشن می‌شود که بخشی از اموال بیت المال که در اختیار حکومت است، در بین مردم تقسیم می‌شده است. البته تفصیل این مطلب که بتوان در مورد فیء و سایر اموال نیز این چنین تقسیم کرد، روشن نیست و قدرمتیقن آن خراج اراضی خراجیه است که تقسیم می‌شده است. البته اگر امام معصوم علیه السلام باشند، هر اقدامی انجام دهند، حجت است و یا اینکه اگر والی مصلحت ببیند که بین مردم تقسیم شود، منعی وجود ندارد.

بنابراین تقسیم اموال بین مردم به صورت فی الجمله ثابت است.

ب: پرداخت یارانه به عنوان ثانوی

در صورتی که نتوان به عنوان اولی اموالی همچون انفال، خمس، زکات، ارث من لا وارث له را که جزو بیت المال هستند، را در بین مردم تقسیم کرد، اگر عنوان ثانوی اقتضای تقسیم آن بین مردم داشته باشد؛ یعنی مصلحت عامه وجود داشته باشد که حاکم این اموال را بین مردم به صورت مساوی تقسیم کند و یا اینکه تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، علی الظاهر این تقسیم با مشکلی مواجه نیست؛ چون در این صورت عنوان «فی سبیل الله» و همچنین مصلحت عامه که در مورد خراج مطرح است، قابل استناد خواهد بود؛ چون دلالت آیات و روایات این چنین است که اگر مصلحت عام اقتضای این چنین داشته باشد، صرف اموال مشکلی ندارد. در نتیجه حاکم می‌تواند برای حفظ نظام و در جهت گرایش بیشتر مردم از طریق حل مشکلات آنها، یارانه پرداخت کند.

بنابراین در فرضی که عنوان ثانوی اقتضای مصلحت داشته باشد، صرف اموال منعی ندارد بلکه به یک معنا اساساً عنوان ثانوی هم نیست؛ چون مصداقاً دارای مصلحت شده است و طبق آیه شریفه، به عنوان «فی سبیل الله» مصرف می‌شود. قابل توجه است که در مواردی که به عنوان «فی

۱. وسائل الشیعة: ۱۵: ۱۰۷.

۲. همان.



جلسه: ۲۴
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم تأمین مالی کارگزاران حکومتی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

سبیل الله» یا «مؤلفه قلوبهم» صرف اموال صورت می گیرد، فقر لازم نیست و صرف وجود مصلحت کافی است که حاکم و ولی امر مسلمین، به همه مردم بدهد و یا به بخشی از آنها که لازم می داند، یارانه پرداخت کند.^۱
نتیجه این است که یکی از مصارف بیت المال و وظائف حکومت و یا حداقل اختیار حکومت اسلامی دادن یارانه است.

۱. اینکه در چه مواردی مصلحت در تساوی یا اعطاء همراه با تفاوت است، مربوط به بحث حاضر نیست و باید در محل مناسب خود بررسی گردد. البته بین کفار و مسلمین تفاوتی نیست و شبیه مؤلفه قلوبهم می شود.